

شفاف سازی بهترین هدیه برای افکار عمومی

درویشی را حکایت کنند که از روستایی می گذشت و اهل روستا را ماتم زده و گریان دید. علت را پرسید، پاسخ دادند کدخدا در بستر بیماری است و پزشکان از معالجه او قطع امید کرده اند، درویش به دلداری نشست و گفت: علاج کدخدا در کف با کفایت من است که دم مسیحایی دارم و روح گریخته از جسم به کالبد باز می آرم.

خاطر آسوده دارید، اطعمه و اشربه پرقوت فراهم آرید و مرا با بیمار در حجره ای تنها بگذارید. روستائیان به وجد آمده، آنچه درویش فرموده بود فراهم آوردند و او را با کدخدا در حجره ای تنها گذاردند. ساعتی بعد، درویش «لا حول» گویان از حجره بیرون آمد و روستائیان هلهله کنان و کف و سوت زنان گرد او حلقه زدند، با این گمان که کدخدا شفا یافته و ریاست از سر خواهد گرفت اما، درویش را چهره درهم کشیده یافتند. با نگرانی پرسیدند، کدخدا چه شد؟ آیا عمرش به دنیا بود؟ درویش گفت: پیش از آن که بر بالینش حاضر شوم مرده بود!

پرسیدند، پس اطعمه و اشربه برای چه خواستی؟ «لا حول» چرا گفتی؟ و این چه معالجت بود که کردی؟ درویش گفت: اگر اطعمه و اشربه نخواست بودم، من نیز مرده بودم و «لا حول» به حکمت خدای سبحان گفتم که کدخدای بی جان را وسیله نجات من نیمه جان کرد.

داستان آن درویش شبیه داستان برخی ها در فوتبال اردبیل هست. آنها یعنی همان بعضی ها در این فکر و اندیشه نیستند که آیا فوتبال ما از بین رفته است یا نه؟ اصلاً سقوط کرده و دیگر حال ایستادن در روی پاهایش را دارد یا نه؟ آنها می خواهند از کنار مرگ فوتبال برای خودشان نان و آبی تدارک ببینند و به هدفشان برسند.

راستی چرا کسی در این شهر جرئت ندارد که بیاید و بگوید در سه سال گذشته بر سر فوتبال و نماینده آن در لیگ چه آمده است؟ شفاف سازی بکند که چگونه مسیر سقوط فوتبال هموار شد و چه کسانی در این راه نقش بولدزر و جاده صاف کنی داشتند. اصلاً چه افرادی از قبل فوتبال ما به پاداش های میلیونی رسیده اند و آیا شایعاتی که در این مورد دهان به دهان می گردند تا چه اندازه قابل اعتماد هستند.

یک اصل می گوید جایی که واقعیت بیان نشود در آنجا شایعه رواج پیدا می کند. وقتی از دو سال گذشته در مورد هزینه های فوتبال و نماینده آن در لیگ انواع حرف ها و حدیث هاست چرا نمی آیند و برای

اولین و آخرین بار نمی خواهند صاف و راست به این شایعه ها پردازند و برای همیشه بساط آنها را جمع بکنند.

درویش هایی که مزهء بودن در صحنه فوتبال به مذاقشان خوش آمده است، نمی خواهند از آن دست بکشند و حتی برای مدت کوتاهی صحنه را به دیگران واگذار کنند. این قبیل افراد اگر از در بیرونشان بکنی حتما از پنجره می آیند تا دلداگی خود به فوتبال و برکات آن را نشان بدهند؟ هر کاری که بشود و به هر نحوی که مقدمه چینی شود ذره ای از ارادت آنها به فوتبال کاسته نمی شود. اصلا سند فوتبال به نام برخی ها زده شده و به جز آنها و دوستان و عزیزانشان هر کسی که بخواهد در این وادی قدم بگذارد افرادی مغرض، خائن، بی سواد و فوتبال نفهم قلمداد می شوند.

فوتبال اردبیل و با سابقه ترین تیم آن به سرنوشتی دچار شد که نمونه آن در تاریخ ورزش این دیار دیده نشده است و این ظلم و این ضربه ها از طرف به ظاهر خودی ها و هواداران منافع مادی روا داشته شد و تاریخ آنها را هرگز فراموش نخواهد کرد.

در پایان فصل هر نتیجه ای که برای ماندن و یا سقوط تیم به دست آید باید با استفاده از اطلاعات موجود در معرفی خادمین و خائنین اقدام گردد و برای همیشه پای آنهايي که بودن در فوتبال را به هر بهایی روا و مباح می دانند از این رشته پرترفدار قطع گردد.

در نهایت دانستن حق مردم است و هواداران فوتبال می خواهند بدانند که چرا از سوی دستگاه های نظارتی، شهرداری و سازمان فرهنگی ورزشی از تیم داری حرفه ای در فوتبال منع شده اند؟ آیا نمی توان این خواسته را برآورد کرد و پرونده شایعات در این مورد را مختومه اعلام نمود.